

آقای قرائتی برای شروع بحث بهتر است به ابتدایی ترین سوال برگردیم که چگونه و چرا مسجد ساخته شد؟

طبق برخی روایات اولین مسجد دو هزار سال قبل از خلقت انسان ساخته شده است. قدیمیترین و محکمترین بناها مساجد هستند. هیچ وقت نیاز به مسجد مرتفع نمی شود؛ زیرا آکاربرد آن ثابت و دائمی است، و بشر در طول تاریخ به آن احتیاج دارد، چون فطرت انسان تغییر نمی کند و انسانها فطرتهای یکسان دارند.

در فرهنگ همه ی ادیان مکانی تحت عنوان معبد وجود دارد. انسانیت در این دامن پرورش می یابد. از نظر دین اسلام و سایر ادیان، مسجد مهمترین مکان محسوب می شود. سالم ترین انسانها، روحانیان و مسولان معابد بوده اند. البته روحانیهای شیعه، از سایر روحانیها، زنده تر، فعالتش، متفکرتر و مبتکرتر هستند، و همواره استقلال خود را حفظ کرده اند. مساجد مسلمانان نیز همین طور است؛ در ادیان دیگر، مردم هفته ای یک بار به معابد می روند، اما مسلمانان باید روزی پنج بار به مسجد بروند. مسلمانان در عیدها نیز به مسجد می روند.

مسجد مانند دامن مدارس است، هر کس از آن دور افتد آسیب می بیند؛ انسانیت در این دامن پرورش می یابد. انسان در دامن مادر رشد می کند و استقلال می یابد؛ عاطفه اش تعالی پیدا می کند؛ و قلبش پر از باور می شود. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) قبل از ورود به مدینه، مسجدی در قبا بنا فرمودند؛ یعنی، ایشان سایر امور زندگی مردم را حول محور مسجد قرار دادند.

پیامبر اکرم (صلی الله و علیه و آله و سلم) توانستند مردم را حول این محور گرد آورند؛ و به اختلافات ریشه دار، میان قبایل مدینه خاتمه دهند. و سببثبات را تبدیل به حسنات نمایند. همه ی اینها با محوریت مسجد انجام شد.

غانله های مدینه با ساختن مسجد النبی پایان یافت. در یک کلمه، اگر مسجد را از تاریخ پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) حذف کنیم، همه چیز زیر و رو می شود. استخوان تاریخ پیامبر مسجد است.

مسجد از نظر اطلاع رسانی چه جایگاه، ابزار و روشهایی دارد؟

مسجد رسانه ای است که مردم به دنبال آن می روند، برخلاف رسانه های دیگر که به خانه می آید. مسجد یک رسانه ی مقدس است، اخبار را بدون کم و زیاد پخش می کند، زیرمحل عدالت و اعتدال است. سایر رسانه ها، کارشان کوچک نمایی و بزرگ نمایی است. در مسجد اخبار زائد و بی ثمر پخش نمی شود. اخبار مسجد عاطفی و انسانی است و جنبه ی کاربردی و عملی دارد. خبرهای سیاسی و اقتصادی آن منجر به عمل می شود، وسیله ی

انتقال اطلاعات در این مکان مقدس، لزوما دیداری یا شنیداری نیست؛ به همین دلیل گفته اند که انسان در مسجد بهره های می برد، در حالی که نمی داند به چه طریق به او رسیده است.

میان مسجد، به عنوان یک رسانه و رسانه های دیگر حدود چهل تفاوت وجود دارد.

یکی از خاصیت های مسجد این است که هر کس وارد آن می شود، در امان است؛ یعنی از نظر روانی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی امنیت دارد. چنین خاصیتی در هیچ جای دیگر یافت نمی شود. حتی سایر ادیان الهی هم چنین مکانی ندارند.

دشمنان ما همواره از مسجدها و نمازها وحشت داشته اند، و سعی می کنند نماز را تبدیل به یک جسم بی جان کنند و هویت واقعی و معنوی نماز را از بین ببرند.

در چه مقطعی، مسجد بیشترین نقش رسانه ای را ایفا کرده است؟

در زمان پیامبر اسلام صل الله علیه و آله و سلم و در اوایل انقلاب ایران، مردم اخبار را از طریق مسجد، به دست می آوردند و اعتنایی به رسانه های دیگر نداشتند.

کدام مسجدها از اهمیت بیشتری برخوردار بوده اند؟

مسجد النبی در صدر اسلام نقش بسیار زیادی در بنای جامعه داشت، و جامعه ی اسلامی با محوریت آن ساخته شد. اگر بخوایم به مسجد دیگری اشاره کنیم باید از مسجد "الآزهر" مصر نام ببریم. این مسجد کارکرد ویژه ای از نظر علمی داشته است. مساجد کشور ما بیشتر از جهت سیاسی کارکرد داشته اند.

به طور کلی مسجد هفده کارکرد دارد که در صورت استفاده از آن، مشکلات بسیار بزرگی بر طرف خواهد شد و بدون استفاده از قابلیت های مسجد، نمی توانیم برای این مشکلات خلبه کنیم هر چند هزاران کتابخانه، فرهنگ سرا، پارک و سینما بسازیم، هیچ چیز نمی تواند جای مسجد را بگیرد.

موانع گسترش فرهنگ مسجد چیست؟ چه راه هایی برای ترویج فرهنگ مسجد وجود دارد.

پس از انقلاب، آمریکاییها گفته بودند که: "ما همه مولفه های جامعه را برای باقی ماندن حکومت شاه، هماهنگ کرده بودیم، تنها دو عامل خارج از کنترل ما فرار گرفته بود، و چندان حسابی روی آن باز نکرده بودیم؛ و آن دو مسجدها و روحانیون بودند." آنان احتمال نمی دادند که اتفاقی بیفتد. وزیرا حکومت شاه را از نظر مالی و نظامی تامین کرده بودند، و به ظاهر فرهنگ خود را به کشور ما تحمیل کرده بودند.

اما نفوذ روحانیون و جایگاه ویژه ی مساجد، همه محاسبات آنان را به هم ریخت. به همین علت پس از انقلاب اسلامی ایران، مسجد و روحانی مورد هجوم دشمن قرار گرفته اند. سعی می کنند هویت اصلی این دو را از بین ببرند و مانع کارایی آنها بشوند.

امیدواریم مردم و مسئولین اهمیت مسجد را دریابند، و از این سنگر به خوبی حراست نمایند، مسجد هم سنگر دفاعی است و هم سنگر تهاجمی، و وظیفه مسئولان احیای مساجد است. بسیاری از امور را می توان به خود مردم واگذار کرد، مردم نیز توقعی از دولت نخواهند داشت؛ دولت باید به اموری توجه کند که در بخش خصوصی متولی ندارد. برای کارهایی برنامه ریزی کند که کسی عهده دار اداره ی آن نیست. مردم از دولت می خواهند که به امور مساجد رسیدگی کند و به آن اهتمام داشته باشد. حکومت وظیفه دارد که موانع دین داری مردم را بر طرف سازد، و دین داری را آسان کند.

تا وقتی که موانع دین داری مرتفع نگردد، محضلات کشور حل نخواهد شد. مردم از حکومت اجرای دین را می خواهند؛ البته با اجرای دین سایر مشکلات بر طرف می شود.

چه تفاوت هایی میان مسجد با دیگر معابد، وجود دارد؟

تفاوت مسجد با معابد دیگر ادیان به اندازه ی تفاوت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) با سایر پیامبران است. در واقع، قابل مقایسه با هم نیستند. در کلیسا تفاخر وجود دارد، و اقشار مختلف مردم کنار هم نمی ایستند؛ مثلاً ثروتمندان و قدرتمندان جایگاه مشخصی دارند. در مسجد اثری از این امور نیست؛ همه در کنار هم می ایستند. یک بعد مسجد علم است؛ دیگر معابد این بعد را ندارند. از جنبه های دیگر، همچون نظافت، نفوذ و تحرک و ...، مسجد وضعیت خاصی را اقتضا می کند.

بر اساس یک استاندارد، مایان مند ۱۱۰ هزار مسجد دیگر هستیم، مطابق فرهنگ شیعه، ایران سیصد هزار مسجد نیاز دارد.

همچنین به سیصد هزار روحانی احتیاج داریم. مردم مصوری کنند که روحانی تأثیری در اقتصاد ندارد و بازدهی روحانی، فقط فرهنگی است. اما آمار چیز دیگری را نشان می دهد؛ در هر روستایی که یک روحانی حضور داشته باشد، در آن جوار زرها حاکم می شود و حداقل هفت میلیون تومان در ماه، صرفه جویی می شود.

یک روحانی کارکردهای زیادی دارد؛ مثلاً با بیان احکام، جلوی اختلاف زن و شوهر را می گیرد؛ با معرفی اسلام مانع دزدی، فحشا و ... می شود. همین که او در خیابان حرکت می کند آثاری دارد. جای تعجب نیست، مشابه آن در ترکیه هم اتفاق افتاده است.

به این صورت که برخی گناهان، در محدوده هایی که گنبد و گل دسته از آن جا نمایان است انجام نمی شود.

بیشترین تعداد مسجد متعلق به کدام کشور است؟

در بنگلادش که ۷۹ مساحت ایران است، ۱۲۰ هزار مسجد ساخته شده است؛ در مالزی ۶۵۰ هزار مسجد فعال هستند؛ در ترکیه ۱۲۵۰ دفتر تبلیغاتی برای مساجد وجود دارد. اما در ایران، که انقلاب آن برخاسته از مساجد است، مشکلات فراوانی در مورد تعداد مساجد و امور مربوط به آن وجود دارد. در هیچ جای دنیا از مساجد، بابت آب و برق هزینه دریافت نمی شود؛ بلکه به مساجد خدمات ارائه می گردد.

چرا در خارج از کشور، کلیسا مجلی برای مراسم ازدواج است ولی در مساجد ما، مراسم ازدواج برگزار نمی شود. زیرا مساجد ما مسجد واقعی نیست. بعلاوه تصور ما از ازدواج تصور صحیحی نیست. ما ازدواج را یک مسأله ی مربوط به غرایز شهوانی می دانیم، در حالی که ازدواج یک نیاز اخلاقی است. به همین دلیل کهن سالان بیشتر احتیاج به همسر دارند. در کشور ما حتی ده نفر کارشناس امور مسجد وجود ندارد. لازم است که مسئولان در این زمینه برنامه ریزی کنند و چاره ای بیندیشند. کارهای فرهنگی نیازمند برنامه ریزیهای طولانی مدت است، و تلاشهای فرهنگی دیرتر از فعالیت های اقتصادی آثار خود را نشان می دهد، ولی ما برنامه های مربوط به دین را، که در سالهای آینده باید اجرا شود آماده نکرده ایم. از نظر نظامی و اقتصادی به نیازها و ضرورت های آینده توجه می کنیم، اما آینده امور دینی و فرهنگی در ابهام قرار دارد.

مسأله ی دیگر، نیاز به روحانی است؛ پاکستان دو میلیون طلبه ی وهابی دارد.

ما اگر می خواهیم انقلاب را صادر کنیم، احتیاج به ده میلیون روحانی داریم و ظایف روحانیت بعد از انقلاب، ده برابر شده است اما تعداد طلبه ها دو برابر هم افزایش نیافته است. در صورتی که میزان وظایف دانشگاه، نسبت به قبل از انقلاب، تغییر نکرده است، ولی تعداد دانشجو ها بسیار افزایش یافته است. مردم برای دین قیام کردند یا برای امر دیگری؟ بنده به مسئولان توصیه می کنیم در این مورد تامل کنند، و بعد فعالیت های خودشان را بسنجند.

بر اجرای مقررات نظارت صورت می گیرد، ولی نظارتی در مورد قواعد دینی و ارزشهای اخلاقی وجود ندارد.

حجم فعالیت هایی که برای مسائل تفریحی انجام می شود، بیشتر از کارهای مربوط به دین است، در برخی مکانها فضایی برای نماز خواندن پیدا نمی شود، ولی هر کار دیگری، حتی خلاف قانون و شرع، محل مشخصی دارد، انتظار مردم این نبود.

به هر حال مساجد خدمات بسیاری به ما کردند، ولی جا دارد سوال کنیم: ما چه خدمتی به مسجد کرده ایم؟